



نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی زناشویی The Mediating Role of Marital Commitment in the Relationship Between Perceived Equity and Marital Satisfaction

Nastaran Mortezaei

Seyyed Mohammad-Reza Rezazade

نسترن مرتضایی*

سید محمدرضا رضازاده**

Abstract

The present study aims to investigate the mediating role of marital commitment in the relationship between perceived equity and marital satisfaction. Therefore, by using a descriptive-correlational methodology, 103 married female employees at University of Tehran in 2019-20, who had children were randomly selected and administered Perry's Perceived Equity Measure (PEM) inventory, Adams & Jones' Dimensions of Commitment Inventory (DCI), and Spanier's Dyadic Adjustment Scale (DAS). SPSS ver. 16 and Amos ver. 18 were used for data analysis. The results of the Pearson correlation and path analysis showed that there is a positive and significant relationship between perceived equity, marital satisfaction, marital commitment and its components, i.e., personal, moral and structural commitment at a significance level of $P < 0.01$. Additionally, marital commitment and its components had a significant positive relationship with marital satisfaction ($P < 0.01$). Furthermore, the results of the path analysis indicated the significant indirect effect of perceived equity on marital satisfaction through marital commitment ($= 0.50$). Overall, the findings of this study suggest that perceived equity plays an important role in the level of marital satisfaction through the creation of marital commitments.

Keywords: Perceived Equity, Marital Commitment, Marital Satisfaction, University of Tehran

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی بود. روش مطالعه توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمام زنان کارمند متأهل و صاحب فرزند دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷-۹۸ بود. ۱۰۳ نفر از زنان کارمند متأهل و صاحب فرزند دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷-۹۸ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه استاندارد ادراک انصاف‌پذیری (PEM)، تعهد زناشویی (DCI) و سازگاری زناشویی اسپنیر (DAS) بر روی آن‌ها اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-۱۶ و AMOS-۱۸ استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر نشان داد، بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی، تعهد و مؤلفه‌های آن یعنی تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری رابطه مثبت و معناداری در سطح $P < 0.01$ برقرار است. علاوه‌براین، تعهد زناشویی و مؤلفه‌های آن دارای رابطه مثبت معناداری با رضایت زناشویی است ($P < 0.01$). همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان داد، اثر غیرمستقیم ادراک انصاف بر رضایت زناشویی از طریق ایجاد تعهد زناشویی معنادار است (ضریب تأثیر $= 0.50$). به‌طور کلی، یافته‌های مطالعه حاضر بیانگر این نکته است که ادراک انصاف در زندگی مشترک از طریق ایجاد تعهدات زناشویی نقش مهمی در میزان رضایت زناشویی ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادراک انصاف، تعهد زناشویی، رضایت زناشویی، دانشگاه تهران

*دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
**نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: rezazade@ut.ac.ir

Received: 23 Jun 2020

Accepted: 3 Oct 2020

پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۲

دریافت: ۹۹/۰۴/۰۳

مقدمه

رضایت زناشویی^۱، یکی از مفاهیم رایجی است که برای ارزیابی موفقیت و پایداری ازدواج به کار می‌رود. در واقع احساس رضایت زوجها از زندگی مشترکشان، از خود ازدواج مهم‌تر است. رضایت زناشویی، احساس خشنودی، رضایت و داشتن تجارب مسرت‌آمیز توسط زن و شوهر، وقتی که آن‌ها همه جنبه‌های زندگی مشترکشان را در نظر می‌گیرند، تعریف شده است (کارنی و بردبوری، ۲۰۰۵). عوامل بسیار زیادی با رضایت زناشویی ارتباط دارند که در این پژوهش به دو عامل مهم تعهد زناشویی و ادراک انصاف پرداخته شده است. موضوع ادراک انصاف در جوامع امروز که بسیاری از زنان در بیرون از خانه کار می‌کنند، بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. در این شرایط تقسیم وظایف و انجام کارها باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که زنان دچار فرسودگی هیجانی نشوند؛ اما زمانی که سنگینی هزینه‌های خانواده، مسئولیت عمده امور منزل، و مراقبت و نگهداری از فرزندان بیشتر بر عهده زنان باشد، زنان شاغل فشار کاری مضاعفی را متحمل می‌شوند و در درازمدت فرسودگی، عدم رضایت و ادراک بی‌عدالتی و بی‌انصافی را در زندگی مشترک تجربه خواهند کرد (قبادی، دهقانی، منصور و عباسی، ۱۳۹۰).

نظریه انصاف در روابط (هاتفیلد، والستر و برسچید، ۱۹۷۸) دو موضوع را مهم فرض می‌کند: اولاً روابط کاری، خانوادگی و اجتماعی افراد، چقدر پاداش‌دهنده است؟ دوم این که این روابط تا چه اندازه عادلانه و منصفانه است؟ براساس نظریه انصاف، افراد یک رابطه را زمانی منصفانه و عادلانه ادراک می‌کنند که پاداش‌هایی که در این روابط به دست می‌آورند متناسب با سهم آن‌ها در روابط باشد (هاتفیلد، راپسون و بنسمن، ۲۰۱۲). طبق دیدگاه والستر، تراپن و والستر (۱۹۷۸) نظریه انصاف، چهارچوب مفیدی را جهت درک اثرات عدم تعادل به‌ویژه در روابط قراردادی صمیمانه همچون ازدواج ارائه می‌دهد. زوج منصف، به‌نظر می‌رسند که شادتر و از روابطشان راضی‌تر و از اعتمادبه‌نفس بیشتری برخوردار باشند؛ در حالی که سطوح پایین انصاف در روابط زناشویی منجر به نارضایتی و پریشانی رابطه زوجین می‌شود. شریکی که در روابط زناشویی پاداش بیش‌ازاندازه و شریکی که کمتر از آن چه که لایق آن است پاداش دریافت کند دچار پریشانی و اضطراب می‌شود (والستر، تراپن و والستر، ۱۹۷۸). در حقیقت نظریه انصاف از قاعده عدالت توزیعی^۲ هومن (۱۳۸۸) استفاده می‌کند که بیانگر این است که افراد زمانی که درون داده‌هایشان در یک رابطه کمتر یا تقریباً نزدیک به برون داده‌ها یا نتایج‌شان در آن رابطه باشد، احساس رضایت می‌کنند (پری، ۲۰۰۴). به‌طوری که فردی که منفعتی بیش‌ازاندازه، دریافت می‌کند احساس گناه و شرم و فردی که منفعت خیلی کم دریافت می‌کند احساس خشم و یأس را تجربه خواهد کرد (والستر، تراپن و والستر، ۱۹۷۸). در حمایت از نظریه انصاف برخی از پژوهش‌ها نیز به رابطه مستقیم بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی (ون ایپرن و بانک، ۱۹۹۰؛ بهمنی، آریامنش، بهمنی و غلامی، ۲۰۱۳)، هماهنگی^۳

-
1. marital satisfaction
 2. distributive justice
 3. harmony

(همایونی میمندی، رفاهی، حسن‌زاده و بخشانی، ۱۳۹۳) و کیفیت^۱ (پری، ۲۰۰۴؛ خجسته‌مهر، فرامرزی و رجبی، ۱۳۹۱) در رابطه صمیمانه زوجین اشاره داشته‌اند. برای مثال، بهمنی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی که در جامعه زنان شاغل و غیرشاغل ایرانی اجرا نموده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی در زنان، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. پری (۲۰۰۴)، در مطالعه‌ای ادراک انصاف را در سه نژاد مختلف آمریکایی بررسی نمود و به این نتیجه دست یافت که عدالت در روابط زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی کیفیت زناشویی زوجین است و به‌طور محتاطانه‌ای می‌توان رابطه دو متغیر را علی دانست؛ وی معتقد است که زنان، بی‌انصافی بیشتری را نسبت به مردان در روابط زناشویی خود احساس می‌کنند (پری، ۲۰۰۴).

تعهد زناشویی، از دیگر متغیرهایی است که بسیاری از پژوهشگران رابطه آن را با رضایت زناشویی موردبررسی قرار داده‌اند، از جمله هو، جیانگ و وانگ (۲۰۱۹) و گیورتر، سگرین و وازیدلو (۲۰۱۵). گیورتر، سگرین و وازیدلو (۲۰۱۵) بر این عقیده‌اند که عاشق شدن و ساخت یک رابطه، بسیار آسان‌تر از حفظ و نگهداری رابطه عاشقانه است و دستیابی به درجه بالایی از رضایت در یک رابطه عاشقانه بلندمدت مانند ازدواج، مستلزم تعهد از جانب زوجین است (گیورتر، سگرین و وازیدلو، ۲۰۱۵). آماتو^۲ (۲۰۰۴)؛ به‌نقل از حسینی، زهراکار، داورنیا، شاکرمی و محمدی، ۱۳۹۴) معتقد است تعهد زناشویی^۳ به این معناست که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. تعهد زناشویی شامل سه نوع تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری است. تعهد شخصی^۴، به همسر که مبتنی بر احساس جذابیت، رضایت و عشق نسبت به همسر است. تعهد اخلاقی^۵ یا تعهد نسبت به ازدواج، بیانگر احساس مسئولیت شخصی برای تداوم رابطه زناشویی و مبتنی بر این عقیده است که حفظ ازدواج به‌عنوان نهادی اجتماعی، مذهبی و امری مقدس لازم است و تعهد ساختاری^۶، مبتنی بر احساس نوعی الزام در تداوم ازدواج و ترس از هزینه‌های هیجانی، مالی و اجتماعی ناشی از فسخ رابطه زناشویی است (آدامز و جونز، ۱۹۹۷). گیورتر، سگرین و وازیدلو (۲۰۱۵) و دریگوتاس، روسبولت و ویریت (۱۹۹۹) در یک پژوهش نشان دادند که تعهد اثر غیرمستقیمی بر رضایت زناشویی (گیورتر، سگرین و وازیدلو، ۲۰۱۵) و اثر مستقیمی بر بهزیستی روان‌شناختی زوجین (دریگوتاس، روسبولت و ویریت، ۱۹۹۹) دارد. در واقع، ارتباط بین تعهد و رضایت در ازدواج تابع این امر است که تا چه میزان یک زوج آموخته است که به‌نفع رابطه، خود را با دیگری سازگار کند و انطباق دهد (ون‌لانگه و همکاران^۷، ۱۹۹۷)؛ به‌نقل از گیورتر، سگرین و وازیدلو، ۲۰۱۵). به‌عبارتی زوجین با تلاش‌های هماهنگ ادراک شده برای حمایت از رابطه، به‌نوعی هویت زوجی را حاکم بر هویت فردی در امور رابطه می‌کنند و به رضایت

-
1. quality
 2. Amoto, P. R.
 3. marital commitment
 4. personal commitment
 5. moral commitment
 6. structural commitment
 7. Van Lange, P. A. M. et al.

دست می‌یابند (گیورتز، سگرین و وازیدلو، ۲۰۱۵).

با وجود اهمیت این موضوع، با مروری بر ادبیات پژوهشی در این زمینه، مطالعه شد که تاکنون پژوهشی تعهد زناشویی را به‌عنوان میانجی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی زوجین - به‌ویژه در زنان شاغل - مورد بررسی قرار نداده است؛ در حالی که ممکن است آنان به‌علت ایفای نقش‌های متعدد از جمله نقش‌های همسری، مادری و شغل خارج از منزل (استولز - لویک، ۱۹۹۲) بیشتر از مردان (بهمنی، فلاح‌چای و زارعی، ۱۳۹۰) و زنان غیرشاغل (بهمنی، آریامنش، بهمنی و غلامی، ۲۰۱۳) به‌خصوص در تقسیم کارهای منزل (استولز - لویک، ۱۹۹۲) در معرض بی‌عدالتی قرار گیرند و در نتیجه، می‌تواند به پریشانی و اضطراب در آنان منجر شود (کلافی و میکلسون، ۲۰۰۸). بنابراین، هدف پژوهش حاضر این است که نقش میانجی تعهد در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی زناشویی را در زنان با طرح فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار دهد: بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد؛ بین ادراک انصاف و تعهد زناشویی رابطه مثبت وجود دارد، بین تعهد زناشویی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد؛ تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش، توصیفی - همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر شامل تمام زنان کارمند متأهل و صاحب فرزند دانشگاه تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ است. با توجه به در اختیار نبودن لیست کارمندان متأهل دانشگاه تهران، امکان نمونه‌گیری تصادفی ساده وجود نداشت؛ بنابراین ۱۲۵ نفر از زنان کارمند متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه‌های تعهد زناشویی، ادراک انصاف و رضایت زناشویی بر روی آن‌ها اجرا شد که از این ۱۲۵ پرسشنامه‌های تکمیل شده، ۲۲ پرسشنامه به‌علت ناقص بودن از تجزیه و تحلیل حذف شدند.

ابزار سنجش

ادراک انصاف^۱ (*PEM*): سنجه ادراک انصاف چهار گویه پری (۲۰۰۴)، عدالت زناشویی را شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته است. سنجه ادراک انصاف، ادراک انصاف را در چهار حیطة انجام کار منزل، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزند را می‌سنجد (پری، ۲۰۰۴). هر سؤال سنجه ادراک انصاف دارای یک مقیاس پنج درجه‌ای خیلی غیرمنصفانه برای من؛ تا حدی غیرمنصفانه برای من؛ منصفانه برای من و همسر؛ تا حدی غیرمنصفانه برای همسر؛ خیلی غیرمنصفانه برای همسر است. پری (۲۰۰۴) قابلیت اعتماد سنجه ادراک انصاف را با محاسبه آلفای کرونباخ، ۰/۷۰ گزارش کرده است. همچنین

1. Perceived Equity Measure (PEM)

برای بررسی درستی این سنجه، از طریق تحلیل عامل تأییدی، ساختار یک عاملی این سنجه را تأیید کرده است (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱). خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) در نمونه‌ای از کارکنان متأهل ادارات دولتی اهواز آلفای کرونباخ این سنجه را در نمونه زنان ۰/۸۱ و نمونه مردان ۰/۸۳ به‌دست آوردند و درستی سازه سنجه ادراک انصاف را با محاسبه همبستگی این سنجه با سؤالات مربوط به متغیر رضایت زناشویی پرسشنامه رضایت زناشویی اولسون، فورنر و دراک من (۱۹۸۲) در نمونه مردان (۰/۷۰) و زنان (۰/۶۱) در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای ادراک انصاف معادل ۰/۸۴ محاسبه شد. برای بررسی روایی محتوایی نیز چند نفر از متخصصان روان‌شناسی، روایی محتوایی این سنجه را تأیید کردند.

تعهد زناشویی^۱ (DCI): پرسشنامه تعهد زناشویی ۴۴ گویه آدامز و جونز (۱۹۹۷)، میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است (آدامز و جونز، ۱۹۹۷). هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج درجه‌ای «کاملاً مخالفم»، «مخالقم»، «مخالقم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) برای به‌دست آوردن درستی و قابلیت اعتماد پرسشنامه، با اجرای پرسشنامه تعهد زناشویی روی ۸۱۰ نفر در پژوهش‌های مختلف نشان داد، خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه از بیشترین حمایت نظری و تجربی برخوردار هستند. همچنین آدامز و جونز، میزان قابلیت اعتماد خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه را بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). شاه‌سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) نیز درستی صوری و محتوایی پرسشنامه تعهد زناشویی را تأیید و آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۵ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر نیز، ضرایب آلفای کرونباخ برای تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۶۸ و ۰/۷۶ محاسبه شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه تعهد زناشویی نیز، چند نفر از متخصصان با مدرک دکتری روان‌شناسی، روایی محتوایی این پرسشنامه را تأیید کردند.

رضایت‌مندی زناشویی^۲ (DAS): مقیاس رضایتمندی زناشویی اسپنیر (۱۹۷۶)، شامل ۳۲ گویه و چهار خرده‌مقیاس است. خرده‌مقیاس‌ها شامل رضایت دو نفره^۳، همبستگی دو نفره^۴، توافق دو نفره^۵ و ابراز محبت^۶ است. در این مقیاس سؤال ۱ تا ۱۵ در یک طیف شش درجه‌ای از همیشه اختلاف داریم تا توافق داریم؛ سؤال ۱۶ تا ۲۲ در یک طیف شش درجه‌ای همیشه تا هرگز؛ سؤال ۲۳ در یک طیف پنج درجه‌ای هر روز تا هرگز؛ سؤال ۲۴ در یک طیف پنج درجه‌ای در تمام موارد تا هرگز؛ سؤالات ۲۵ تا ۲۸ در یک طیف پنج درجه‌ای هرگز

1. Dimensions of Commitment Inventory (DCI)
2. Dyadic Adjustment Scale (DAS)
3. dyadic satisfaction
4. dyadic cohesion
5. dyadic consensus
6. affective expression

تا بیش از روزی یک‌بار؛ سوالات ۲۹ و ۳۰ در یک طیف دو درجه‌ای بله و خیر؛ سؤال ۳۱ در طیف هفت درجه‌ای بسیار ناخشنود تا عالی و سؤال ۳۲ در یک طیف شش درجه‌ای مصرانه، خواهان موفقیت رابطه خود هستم تا امکان موفقیت رابطه ما هرگز وجود ندارد، قرار دارد. اسپنیر (۱۹۷۶) درستی محتوا، سازه و ملاکی این پرسشنامه را مطلوب و مورد تأیید قرار داد (اسپنیر، ۱۹۷۶) و آلفای کرونباخ نمره کل مقیاس را ۰/۹۶ و آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها را به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۸۶، ۰/۹۰ و ۰/۷۳ گزارش کرد (گراهام، لیو و جیزیاریسکی، ۲۰۰۶). DAS توسط آموزگار و حسین‌نژاد (۱۳۷۴)؛ به‌نقل از راستگو، گلزاری و براتی‌سده، (۱۳۹۳). در یک نمونه ایرانی هنجاریابی شده است نیز، همسانی درونی مقیاس رضایت‌مندی زناشویی را با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه کرده‌اند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای رضایت زناشویی معادل ۰/۹۵ به‌دست آمد. برای بررسی روایی محتوایی نیز، چند نفر از متخصصان با مدرک دکتری روان‌شناسی، روایی محتوایی این مقیاس را تأیید کردند.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

پژوهش حاضر بر روی ۱۲۵ نفر از زنان کارمند متأهل دارای فرزند با میانگین سنی ۴۲/۴۱ و انحراف استاندارد ۷/۶۱ سال و مدت زمان ازدواج بین ۲ تا ۴۱ سال (با میانگین و انحراف استاندارد ۱۷/۸۶ و ۸/۸۷ سال) و دامنه تحصیلات دیپلم تا دکتری انجام شد. از ۱۲۵ پرسشنامه‌های تکمیل شده، ۲۲ پرسشنامه به‌علت ناقص بودن از تجزیه و تحلیل حذف شدند.

تعداد فرزندان در این خانواده‌ها به‌طور متوسط ۱/۶۹ با انحراف ۰/۶۹ (از ۱ تا ۴ فرزند) گزارش شد. از توزیع فراوانی مشاهده شد، بیشتر خانواده‌ها تک (۴۲ درصد) یا دو (۴۹ درصد) فرزندی بودند. بیشتر افرادی که تحصیلات عالی داشتند تک یا دو فرزندی بودند.

ب) توصیف شاخص‌ها

شاخص‌های توصیفی در جدول ۱، ارائه شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-۱۶ و AMOS-۱۸ انجام گرفت.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
رضایت زناشویی	۱۱۰/۱۹	۲۲/۴۳	۳۱	۱۴۸	-۰/۶۷	۰/۶۷
ادراک انصاف	۱۶/۳۸	۴/۴۵	۴	۲۰	-۰/۳۷	۰/۹۷
تعهد شخصی	۳۷/۵۵	۷/۲۷	۱۸	۵۰	-۰/۲۴	-۰/۷۲
تعهد اخلاقی	۴۳/۳۸	۹/۲۱	۲۳	۵۹	-۰/۱۸	-۰/۹۹
تعهد ساختاری	۷۸/۸۲	۱۴/۴۰	۳۴	۱۰۳	-۰/۱۷	-۰/۴۵
نمره کل تعهد	۱۵۹/۷۵	۲۹/۳۵	۷۵	۲۰۵	-۰/۱۶	-۰/۷۶

میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات هر متغیر در جدول بالا قابل مشاهده است. شاخص‌های کجی و کشیدگی در جدول فوق نشان می‌دهند که توزیع هیچ‌یک از متغیرها خارج از حالت نرمال نیست.

ج) همبستگی شاخص‌ها

برای بررسی همبستگی متقابل بین متغیرها، همبستگی گشتاوری پیرسون محاسبه شد. نتایج به شکل ماتریس همبستگی در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی شاخص‌های پژوهش

شاخص‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
رضایت زناشویی					
ادراک انصاف	۰/۵۷**				
تعهد شخصی	۰/۸۳**	۰/۵۶**			
تعهد اخلاقی	۰/۸۴**	۰/۵۷**	۰/۸۳**		
تعهد ساختاری	۰/۸۴**	۰/۴۷**	۰/۸۳**	۰/۸۷**	
نمره کل تعهد	۰/۸۸**	۰/۵۵**	۰/۹۲**	۰/۹۵**	۰/۹۷**

** $P < 0.01$

طبق ماتریس، رضایت زناشویی با ادراک انصاف ($r = 0.57$ و $P < 0.01$) و تعهد ($r = 0.88$ و $P < 0.01$) رابطه مثبت و معنادار داشت. رابطه رضایت زناشویی با مؤلفه‌های تعهد شامل تعهد شخصی ($r = 0.83$ و $P < 0.01$)، اخلاقی ($r = 0.84$ و $P < 0.01$) و ساختاری ($r = 0.84$ و $P < 0.01$) نیز مثبت و معنادار بود. ادراک انصاف با نمره کل تعهد ($r = 0.88$ و $P < 0.01$) و هر یک از مؤلفه‌های آن به ترتیب ($r = 0.56$ و $P < 0.01$)، ($r = 0.57$ و $P < 0.01$)، ($r = 0.47$ و $P < 0.01$) رابطه مثبت و معنادار داشت.

د) آزمون فرضیه‌ها و تحلیل مسیر

در این پژوهش بر پایه مبانی نظری و تجربی موجود، مدل مفهومی برای تبیین روابط ساختاری متغیرها توسعه یافت. فرض بر این بود که ادراک انصاف (متغیر برون‌زا) بر تعهد زناشویی (متغیر واسطه‌ای) اثر دارد و تعهد زناشویی به نوبه خود، منجر به رضایت زناشویی (متغیر درون‌زا) می‌شود. با هدف آزمون برازش مدل‌های مفروض با داده‌ها و نیز برآورد ضرایب اثر برای هر مدل، از تکنیک تحلیل مسیر با روش بیشینه احتمال استفاده شد. براساس شاخص‌های توصیفی، توزیع تمامی متغیرها نزدیک به نرمال بود؛ بنابراین مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها رعایت شده است. حجم نمونه کافی به عنوان یکی از موارد مهم در مدل‌یابی مورد توجه قرار گرفت. بنتلر و چو^۱ (۱۹۸۸؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۸) بیان می‌کنند که به شرط نرمال بودن توزیع متغیرها و نبود داده‌های پرت و موارد گمشده، حجم گروه نمونه را می‌توان تا پنج مورد برای هر یک از پارامترهای برآورد شده کاهش داد. بنابراین، نمونه به تعداد ۱۰۳ نفر برای این پژوهش کافی بود. نمودار همبستگی دوبه‌دویی تمامی متغیرها به شکل بیضی بود و این نشان‌دهنده وجود رابطه خطی است. جدول ۳، شاخص‌های برازش مدل مفروض با

1. Bentler, P. M., & Chou, C.

داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل اول

X^2	P	df	X^2/df	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
۷/۱۷۱	$P > .05$	۶	۱/۱۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۱	۰/۰۴

شاخص X^2 دو به لحاظ آماری معنادار نیست و نشانگر عدم تأیید مدل مفروض توسط داده‌ها است. همچنین نسبت X^2/df دو به درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم برآورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب است و براساس آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت مدل برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد.

در جدول ۴، ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل برازش یافته به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر نمایش داده شده است.

جدول ۴- ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل برازش یافته و ضرایب تبیین

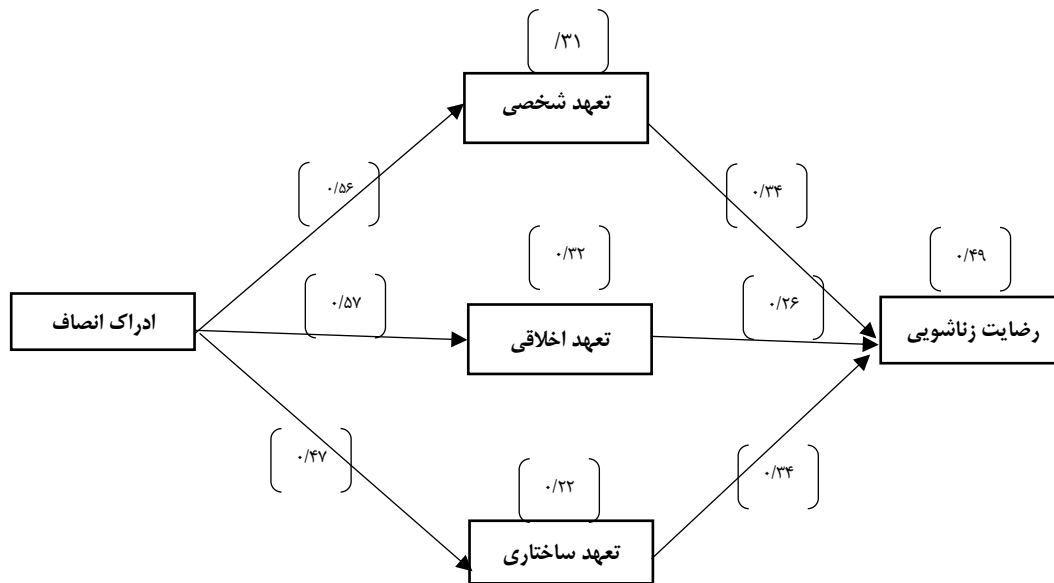
مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب تبیین (درصد)
بر روی رضایت زناشویی از:				۴۹
تعهد شخصی	۰/۳۴**	-	۰/۳۴**	
تعهد اخلاقی	۰/۲۵**	-	۰/۲۵**	
تعهد ساختاری	۰/۳۴*	-	۰/۳۴*	
ادراک انصاف	-	۰/۵۰**	۰/۵۰**	
بر روی تعهد شخصی از:				۳۱
ادراک انصاف	۰/۵۶**	-	۰/۵۶**	
بر روی تعهد اخلاقی از:				۳۲
ادراک انصاف	۰/۵۷**	-	۰/۵۷**	
بر روی تعهد ساختاری از:				۲۲
ادراک انصاف	۰/۴۷**	-	۰/۴۷**	

** $P < .01$

همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیرهای رضایت زناشویی ($R^2 = 0/49$)، تعهد شخصی ($R^2 = 0/31$)، تعهد اخلاقی ($R^2 = 0/32$)، تعهد ساختاری ($R^2 = 0/22$) هر یک به میزان قابل توجهی توسط شاخص‌ها تبیین شدند. تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۳۴، ۰/۲۵ و ۰/۳۴ به‌طور مستقیم بر رضایت زناشویی اثر مثبت داشتند.

ادراک انصاف به‌طور مستقیم بر تعهد شخصی (ضریب تأثیر = ۰/۵۶)، تعهد اخلاقی (ضریب تأثیر = ۰/۵۷) و تعهد ساختاری (ضریب تأثیر = ۰/۴۷) اثر معنادار داشت.

اثر غیرمستقیم ادراک انصاف بر رضایت زناشویی از طریق ایجاد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری، به‌لحاظ آماری معنادار بود (ضریب تأثیر = ۰/۵۰). به‌عبارت دیگر، نقش واسطه‌ای تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی تأیید می‌شود. شکل ۱ نمودار مسیر را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نمودار مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی زناشویی زنان شاغل صورت گرفته است. در خصوص رابطه بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی، نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد رابطه مثبت معناداری بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی وجود دارد. یعنی انصاف ادراک شده از تقسیم کارها رضایت زناشویی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های مطالعه حاضر با یافته‌های مطالعات پیشین مبنی بر ارتباط بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی هم‌سو است (ون ایپرن و بانک، ۱۹۹۰؛ پری، ۲۰۰۴؛ سرانچه، بهروزی، ممبینی و یونسی، ۱۳۹۳؛ بهمنی و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به تعریف ادراک انصاف، یعنی اگر نسبت آن‌چه که فرد در رابطه سرمایه‌گذاری می‌کند و آن‌چه که از رابطه دریافت می‌کند تقریباً برابر باشد، انتظار است که فرد از این رابطه رضایت داشته باشد. از سویی، رعایت انصاف در روابط به قانون‌طلایی اخلاق نزدیک است. به این صورت که «با دیگران چنان رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار کنند» (پولک، ۲۰۱۱). همچنین آیه ۲۷۹ سوره بقره «نه به دیگران ستم می‌کنید و نه به شما ستم می‌شود» هم از مصادیق این قاعده اخلاقی همگانی است و یک تبیین دیگر این‌که پژوهش ما روی زنان کارمندی که از تحصیلات عالی برخوردار بودند انجام گرفت. این زنان معمولاً از درآمد بالا و همچنین از سرمایه‌های اجتماعی بالایی از جمله مشارکت در مسائل اجتماعی سیاسی و فعالیت در انجمن‌های اجتماعی برخوردار هستند. آگاهی این افراد از مساوات بین زن و مرد در جهان، طبیعتاً بیشتر از زنان خانه‌دار است. بنابراین، انتظار است که این زنان تحصیل‌کرده به تقسیم کارها به‌ویژه در منزل بین زن و مرد را موردتوجه قرار داده و کلیشه جنسیتی بودن

کارها را بی‌اهمیت بدانند و انجام کار منزل به تنهایی و بدون مشارکت همسر را ناعادلانه‌تر از زنان خانه‌دار تلقی کنند و متعاقباً ادراک ناعدالتی منجر به نارضایتی در روابط زناشویی آن‌ها خواهد شد. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، بین ادراک انصاف و تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتیجه این پژوهش مطابق با پژوهش تنگ و کوران (۲۰۱۲) است. برای تبیین این ارتباط باید گفت، تعهد زناشویی بیانگر ماهیت پایبندی فرد به رابطه زناشویی است، این که فرد در رابطه چقدر احساس امنیت می‌کند و تا چه حد احساس می‌کند که رابطه در درازمدت ارزشمند است. طبق این تعریف از تعهد زناشویی، انتظار است تلاش زن در برقراری انصاف و عدالت در تقسیم کارها و هزینه‌های زندگی در جهت افزایش امنیت در رابطه باشد. به عبارتی، زن با مشاهده حمایت، عدالت و مساوات‌طلبی همسر، به وی احساس امنیت می‌بخشد که این امر به نوبه خود، منجر به افزایش تعهد او نسبت به همسر شده، به طوری که زن همسرش را دوست بدارد و به او وفادار بماند.

علاوه بر این، بین تعهد زناشویی و رضایت زناشویی ارتباط مثبت معناداری مشاهده شد که این یافته با یافته‌های مطالعات گیورتز، سگرین و وازیدلو (۲۰۱۵) و دریگوتاس، روسبولت و ویریت (۱۹۹۹) مطابقت دارد. این پژوهشگران نشان دادند، تعهد اثر غیرمستقیمی بر رضایت زناشویی (گیورتز، سگرین و وازیدلو، ۲۰۱۵) و اثر مستقیمی بر بهزیستی روان‌شناختی زوجین (دریگوتاس، روسبولت و ویریت، ۱۹۹۹) دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، زوج‌هایی که تعهدات شخصی بالاتری دارند، در حل مسئله، مشکل کمتری دارند و در حفظ کیفیت رابطه فعال هستند (تانگ و کوران، ۲۰۱۲). تعهد ساختاری، به جنبه «باید» تعهد اشاره دارد؛ به طوری که هریک احساس می‌کنند، آن‌ها باید به علت محدودیت‌های خارجی در رابطه باقی بمانند (تانگ و کوران، ۲۰۱۲). افراد با تعهد ساختاری بیشتر، هیچ‌گونه جایگزین جذاب‌تری خارج از محدوده ازدواج برای خود ایجاد نمی‌کنند و پایبند به رابطه هستند. تعهد اخلاقی نیز مربوط به نگرش‌های مذهبی است. برای تعهد اخلاقی، همسرانی که ازدواج را عملی معنوی درک می‌کنند و فعالیت‌های مذهبی مشترک بیشتری دارند، منازعات زناشویی کمتر و همکاری بیشتری دارند (تانگ و کوران، ۲۰۱۲). به این ترتیب، افرادی که تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری بالاتری دارند، رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود گزارش می‌دهند. از سویی همان طوری که در تبیین فرضیه دوم گفته شد زن زمانی که احساس امنیت در زندگی داشته باشد، رضایت او از رابطه زناشویی افزایش پیدا کرده و همین مسئله نیز منجر به تعهد بیشتر زن به زندگی و همسر می‌شود.

همچنین مطابق با نتایج حاصله از پژوهش حاضر، اثر غیرمستقیم ادراک انصاف بر رضایت زناشویی از طریق ایجاد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری، به لحاظ آماری معنادار بود. از آنجایی که بین ادراک انصاف و رضایت زناشویی و همچنین میان ادراک انصاف، تعهد و رضایت زناشویی ارتباط مثبت معنادار برقرار است، انتظار است که تعهد نقش واسطه‌ای را در رابطه میان ادراک انصاف و رضایت زناشویی ایفا کند. زیرا هر اندازه همسران عدالت را در امور کارها در نظر بگیرند، به حفظ رابطه زناشویی خود متعهد و وفادار می‌شوند؛ بنابراین بدیهی است که با افزایش تعهد و وفاداری دو سویه همسران، شاهد افزایش رضایت زناشویی افراد به خصوص زنان باشیم. به طور کلی، یافته‌های مطالعه حاضر، بیانگر این نکته است که ادراک انصاف در زندگی مشترک از

طریق ایجاد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری، نقش مهمی را در میزان رضایت‌مندی زناشویی ایفا می‌کند. بنابراین، به دلیل اهمیت این موضوع لازم است مراکز مشاوره پیش‌از ازدواج، آموزش ادراک انصاف به زوجین را مورد توجه بیشتری قرار دهند.

از محدودیت‌های اصلی این پژوهش می‌توان به جامعه آماری پژوهش اشاره کرد. زیرا جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان تشکیل داده‌اند؛ بنابراین محدودیت‌هایی را برای تبیین یافته‌ها و تعمیم نتایج به مردان مطرح کرده و پیشنهاد است که پژوهش‌های آینده معطوف به زوجین شود.

منابع

- بهمنی، م.، فلاح‌چای، س.، ر.، و زارعی، ا. (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه عدالت بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۱(۳)، ۳۹۸-۳۸۲.
- حسینی، ا.، زهراکار، ک.، داورنیا، ر.، شاکرمی، م.، و محمدی، ب. (۱۳۹۴). رابطه تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲۳(۵)، ۷۹۶-۷۸۸.
- خجسته مهر، ر.، فرامرزی، س.، و رجبی، غ. ر. (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک انصاف در کیفیت زناشویی. مطالعات روان‌شناختی. ۱۸(۱)، ۵۰-۳۱.
- راستگو، ن.، گلزاری، م.، و براتی سده، ف. (۱۳۹۳). اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی. ۱۷(۵)، ۴۸-۳۵.
- سرانچه، م.، بهروزی، ن.، ممبینی، ش.، و یونسی، ع. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ادراک انصاف و سلامت روان با رضایت زناشویی. اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده. تهران.
- شاه سیاه، م.، بهرامی، ف.، و محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. اصول بهداشت روانی. ۱۱(۳)، ۲۳۸-۲۳۳.
- قبادی، ک.، دهقانی، م.، منصور، ل.، و عباسی، م. (۱۳۹۰). تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی. خانواده‌پژوهی. ۷(۲۶)، ۲۲۲-۲۰۷.
- همایونی میمندی، س.، رفاهی، ژ.، حسن‌زاده، ز.، و بخشانی، ن. م. (۱۳۹۳). اثر هوش هیجانی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف. زن و جامعه. ۵(۳)، ۳۴-۱۹.
- هومن، ح. علی. (۱۳۸۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: سمت.

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: an integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Bahmani, M., Aryamanesh, S., Bahmani, M., & Gholami, S. (2013). Equity and marital satisfaction in Iranian employed and unemployed women. *Social and Behavioral Sciences*, 84, 421-425.

- Claffey, S. T., & Mickelson, K. D. (2008). Division of household labor and distress: The role of perceived fairness for employed mothers. *Sex Roles*, 60(11), 819-831.
- Drigotas, S. M., Rusbult, C. E., & Verette, J. (1999). Level of commitment, mutuality of commitment, and couple well-being. *Personal Relationships*, 6(3), 389-409.
- Givertz, M., Segrin, C., & Woszidlo, A. (2015). Direct and indirect effects of commitment on interdependence and satisfaction in married couples. *Journal of Family Psychology*, 30(2), 214-220.
- Graham, J. M., Liu, Y. J., & Jeziorski, J. L. (2006). The dyadic adjustment scale: A reliability generalization meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 68(3), 701-717.
- Hatfield, E., Walster, G. W., & Berscheid, E. (1978). *Equity: theory and research*. Boston: Allyn & Bacon.
- Hatfield, E., Rapson, R. L., & Bensman, L. (2012). Equity theory. *Reference Module in Neuroscience and Bio Behavioral Psychology: Encyclopedia of Human Behavior (Second Edition)*, 73-78.
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376.
- Karney, B. R., & Brodbory, T. W. (2005). Contextual influence on marriage. *Current Directions in Psychological Science*, 14(4), 171-174.
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1982). ENRICH: Enriching & nurturing the relationship issues, communication & happiness. *Journal of Marital and Family Therapy*, 15, 65-79.
- Perry, B. J. (2004). *The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African Americans and Caucasians*. Dissertation, The Ohio State University.
- Polk, D. M. (2011). *Evaluating fairness: critical assessment of equity theory*. In D. Chadee, (Ed). *Theories in social psychology*, Blackwell Publishing Ltd, 163-190.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: new scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*, 38(1), 15-28.
- Stoltz-Loike, M. (1992). The working family: Helping women balance the roles of wife, mother, and career women. *The Career Development Quarterly*, 40(3), 244-256.
- Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2012). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues*, 34(12), 1598-1622.
- Van Yperen, N. W., & Buunk, B. P. (1990). A longitudinal study of equity and satisfaction in intimate relationships. *European Journal of Social Psychology*, 20(4), 287-309.
- Walster, E., Traupmann, J., & Walster, G. W. (1978). Equity and extramarital sexuality. *Arch Sex Behav*, 7(2), 127-141.